



درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۳ اردیبهشت ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۸ شعبان ۱۴۴۱

جلسه: ۳۹

موضوع کلی: فصل فی احکام الجبائر

موضوع جزئی: حکم جبیره غیر متعارف

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۶۰۰ بود. عرض شد که این مسأله چند فرع دارد:

فرع اول، این است که اگر بعضی از اطراف عضو که صحیح است زیر جبیره قرار بگیرد و به مقدار متعارف باشد، بر جبیره مسح می شود [و مشکلی ندارد].

خیلی کم اتفاق می افتد که جبیره دقیقاً به اندازه زخم و جراحت باشد و از آن بیشتر یا کمتر نباشد و روایاتی که در رابطه با مسح بر جبیره وارد شده اند نیز مختص مواردی که جبیره دقیقاً به اندازه زخم و جراحت باشد، نیستند، بلکه اخبار نیز به مقتضای متعارف وارد شده اند و بر متعارف حمل می شوند، بنابراین، مسح بر جبیره ای که مقداری از عضو صحیح نیز زیر آن قرار گرفته است و از مقدار متعارف بیشتر نیست، صحیح است و متعارف این است که معمولاً جبیره مقداری از عضو صحیح را نیز فرا می گیرد. دلیل حکم مذکور، اطلاق ادله مسح بر جبائر است، بنابراین، ادله دال بر مسح بر جبائر، مواردی که جبیره علاوه بر روی زخم، مقداری از عضو صحیح را نیز فرا گرفته و آن مقدار از مقدار متعارف بیشتر نیست را نیز شامل می شود لذا مسح بر جبیره در این فرض مشکلی ندارد و وضوی جبیره ای صحیح است.

فرع دوم، این است که اگر مقدار سالم عضو که زیر جبیره قرار گرفته است از مقدار متعارف بیشتر باشد و برداشتن جبیره نیز ممکن باشد، جبیره برداشته می شود و مقدار سالم عضو شسته می شود و سپس جبیره روی جراحت گذاشته می شود و بر روی آن مسح می شود.

فرع سوم، این است که اگر مقدار سالم عضو که زیر جبیره قرار گرفته است از مقدار متعارف بیشتر باشد ولی برداشتن جبیره ممکن نباشد، بر روی جبیره مسح می شود، لکن احتیاط [مستحب] این است که تیمم نیز به آن وضوی جبیره ای ضمیمه شود، خصوصاً اگر عدم امکان غسل عضو صحیح به خاطر این باشد که شستن برای عضو سالم ضرر داشته باشد. منظور از ضرری که در این فرع مطرح شده است، ضرر خارجی [، مثل اینکه شخص برای برداشتن جبیره متحمل زحمت شود و باید به پزشک مراجعه کند] نیست.

دلیل حکم مذکور، این است که شخص علم اجمالی دارد بین اینکه آیا تیمم بر او واجب است یا اینکه وضوی جبیره ای واجب است و احتیاط ایجاب می کند که شخص بین هر دو جمع کند و هم وضوی جبیره ای بگیرد و هم تیمم بگیرد.

مرحوم آیت الله خوئی (ره) فرموده است نسبت به فرع سوم که امکان برداشتن جبیره ممکن نیست وجوهی متصور است:

وجه اول، اینکه عدم امکان برداشتن جبیره به خاطر این است که مستلزم ضرر خارجی است؛ مثل اینکه شخص خودش نمی‌تواند زخم را ببندد و پزشک آن را می‌بندد و لذا برای برداشتن آن جبیره که پزشک روی زخم بسته است باید نزد خود پزشک برود و برای این کار باید متحمل زحمت زیادی بشود که یا به این خاطر است که فاصله تا مطب پزشک زیاد است و یا به این خاطر است که هزینه زیادی را باید متحمل شود و اگر به پزشک مراجعه کند و پزشک باند را باز کند و دوباره ببندد، شاید دوباره بیش از مقدار متعارف روی زخم را بگیرد و مقداری از عضو صحیح را فرا بگیرد که در این صورت دوباره برای باز کردن روی زخم و وضو گرفتن باید به پزشک مراجع کند و این زحمت و هزینه زیادی را بر او تحمیل می‌کند، بنابراین، در این صورت که ضرر خارجی متوجه فرد است، وظیفه شخص این است که تیمم کند و دلیل این حکم این است که اخباری که در رابطه با مسح بر جبیره وارد شده‌اند به مواردی اختصاص دارند که غسل یا مسح موضع جراحت ضرری را متوجه شخص کند، یعنی اگر شخص بخواهد موضع جراحت را بشوید ضرر متوجه او بشود، اما اگر ضرر از ناحیه دیگری باشد، اخبار آن مورد را شامل نمی‌شود و فرض مورد نظر که ضرر خارجی متوجه فرد می‌شود خارج از دایره اخبار جبیره است و آن اخبار این مورد را شامل نمی‌شوند، در نتیجه، مقتضای اصل اولی وجوب تیمم است و نیازی به جمع بین وضوی جبیره و تیمم [که مرحوم سید (ره) فرمود،] نیست چون اصلاً موضوع برای مسح بر جبیره باقی نمی‌ماند زیرا روایات این مورد را شامل نمی‌شوند.

وجه دوم، این است که شخص متمکن از برداشتن جبیره‌ای که بیشتر از مقدار متعارف را فرا گرفته است، نیست و این عدم امکان به خاطر ضرر خارجی نیست، بلکه به خاطر این است که برداشتن جبیره مستلزم توجه ضرر به عضو صحیحی که زیر جبیره قرار دارد، می‌باشد؛ مثل اینکه اگر آب به آن عضو صحیح برسد، ضرر متوجه آن می‌شود و مثلاً زخم می‌شود. حکم این فرض نیز این است که شخص باید تیمم کند و دلیل آن، این است که اخباری که در رابطه با مسح بر جبیره وارد شده‌اند به مواردی اختصاص دارند که جراحت یا قرچی باشد که شستن آن موجب ضرر بشود، اما این اخبار موضعی که صحیح و سالم باشد و جراحتی نداشته باشد و بعداً به وسیله غسل، ضرری متوجه آن بشود را شامل نمی‌شود، بنابراین، در این فرض نیز وظیفه شخص این است که تیمم کند، هرچند که مقتضای احتیاط این است که شخص بین وضوی جبیره‌ای و تیمم جمع کند.

وجه سوم، این است که شخص متمکن از برداشتن جبیره‌ای که بیشتر از مقدار متعارف را فرا گرفته است، نیست و این عدم امکان به خاطر ضرری است که متوجه خود جراحت و زخم می‌شود، در این صورت نیز وظیفه شخص این است که تیمم کند چون اخبار وارده در باب مسح بر جبیره مختص به موردی است که غسل، برای جراحت ضرر دارد، اما اگر شستن جراحت ضرری را متوجه جراحت نمی‌کند، بلکه ضرری که متوجه جراحت می‌شود از ناحیه برداشتن جبیره و شستن موضع صحیح است، نه اینکه غسل برای جراحت ضرر دارد تا گفته شود که اخبار جبیره شامل آن می‌شود و شخص باید وضوی جبیره‌ای بگیرد، بنابراین، چون ضرری که متوجه جراحت می‌شود از ناحیه غسل جراحت نیست، وظیفه شخص این است که تیمم کند، همان‌طور که صحیح‌ه حلبی [عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ بِهِ الْقَرْحَةُ فِي ذِرَاعِهِ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ مِنْ مَوْضِعِ الْوُضُوءِ فَيَعْصِبُهَا بِالْخِرْقَةِ وَيَتَوَضَّأُ وَيَمْسَحُ عَلَيْهَا إِذَا تَوَضَّأَ؛ فَقَالَ: «إِنْ كَانَ يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَمْسَحْ عَلَى الْخِرْقَةِ وَإِنْ كَانَ لَا يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَنْزِعِ الْخِرْقَةَ ثُمَّ لْيَغْسِلْهَا» قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْجَرْحِ كَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ فِي غَسْلِهِ؟ قَالَ: «اغْسِلْ مَا حَوْلَهُ»^۱]. نیز بر این مطلب دلالت داشت که ضرر

۱. شیخ حر عاملی، و مسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۳، ح ۲.

باید از ناحیه غَسَل باشد. لذا در این فرض نیز حکم این است که شخص باید تیمم کند و اصل اول در هر موردی که دلیلی بر مسح بر جبیره نباشد، این است که تیمم شود، هرچند که مطابق با احتیاط این است که شخص هم وضوی جبیره‌ای بگیرد و هم تیمم کند.

«الحمد لله رب العالمین»